

کتابخوانی در نوجوانان، معضل یا اقتضای زمان؟

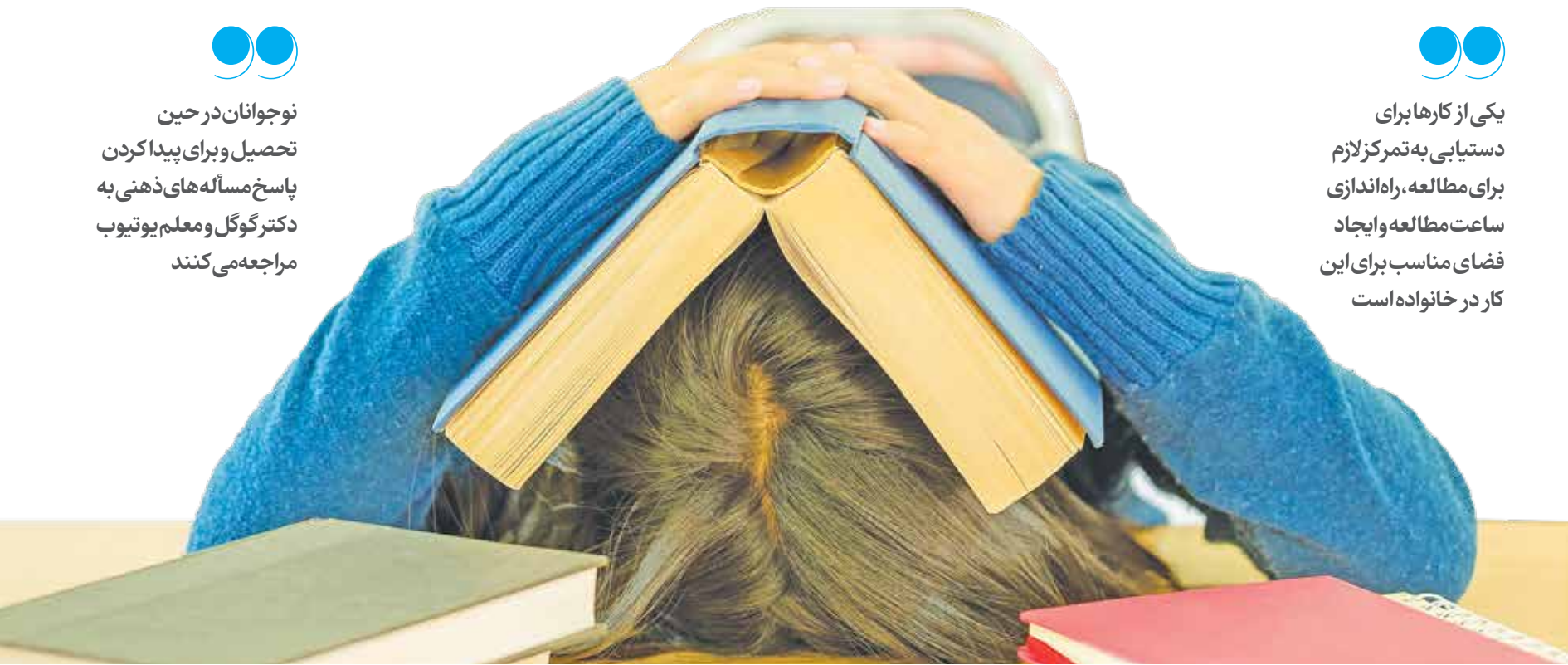
## کتاب؟ عمرش گذشته مریبی!



نوجوانان در حین  
تحصیل و برای پیدا کردن  
پاسخ مسأله‌های ذهنی به  
دکتر گوگل و معلم یوتیوب  
مراجعه می‌کنند



یکی از کارها برای  
دستیابی به تمرکز لازم  
برای مطالعه، راه‌اندازی  
ساعت مطالعه و ایجاد  
فضای مناسب برای این  
کار در خانواده است



الهام اسماعیلی  
نویسنده

با استفاده روزانه نوجوانان از گوشی هوشمند و دریافت اعلان‌های مختلف از انواع برنامه‌های آن، امکان تمرکز کردن برای انجام فعالیت‌های روزمره سخت شده است، کتاب خواندن که کار حضرت فیل است و جای خود را دارد. یکی از کارها برای دستیابی به تمرکز لازم برای مطالعه، راه‌اندازی ساعت مطالعه و ایجاد فضای مناسب برای این کار در خانواده است. ابتدا یک توافقنامه یا قرارداد داخلی بنویسید تا حداکثر امکان از هر آنچه موجب حواس‌پرتی می‌شود و از مطالعه عمیق می‌کاهد، جلوگیری شود. خاموش کردن تمام وسایل دیجیتال و الکترونیکی اعم از تلویزیون، تلفن منزل، گوشی همراه، کنسول بازی، کامپیوتر تا همه اعضای خانواده با هم در ساعت مطالعه حضور داشته باشند و این ساعت منتهی به ساعت خواب شود. بهتر است بعد از پایان ساعت مطالعه کسی به وسایل الکترونیکی مراجعه نکند و با نور آبی صفحه نمایش مواجهه نداشته باشد که به مرور دچار اختلال در خواب خواهد شد. در ساعت مطالعه می‌توانید همه با هم یک کتاب را بلند خوانی کنید تا اعتماد به نفس کودک و نوجوان شما در خواندن کتاب و شنیدن صدای خودش افزایش یابد و به تسلط و فهم او به زبان فارسی نیز آگاه شوید، که هرچه دانش‌آموزان روان‌تر بخوانند، درک مطلب و فهم‌شان از درس‌ها نیز بیشتر خواهد شد. هم می‌توان اجازه داد هر فرد مطالعه کتاب خاص خودش را داشته باشد تا به پروژه شخصی خودش نیز بپردازد. برای انس با کتاب نیاز به تلاش چندجانبه است و کتاب همواره به عنوان یک ابزار کمکی در اندیشیدن در اختیار انسان بوده است و تا زمانی که او می‌اندیشد نیز خواهد بود و لو در قالب مکتوب یا الکترونیک.

می‌کند. یکی از این منابع که اتفاقاً معتبرتر است کتاب است. حالا چرا معتبرتر است؟ چگونه اعتبار آن را به نوجوان نشان دهیم؟ فرایند تولید و به انجام رسیدن و نوشتن یک کتاب خودش گواه است و به آن اعتباری صدچندان نسبت به ویدیو و صحبت‌های افراد مختلف در یوتیوب می‌دهد. نوشتن ابزاری برای فکر کردن است. همان معلم یا یوتیوبر یا اینستاگرامر هم برای چند دقیقه حرف زدن و انسجام دادن به صحبت‌هایش، کلمات را نوشته و به یک محتوا یکدست رسیده است. یک نویسنده دچار «مغزرنج» می‌شود، عرق فکری می‌ریزد تا آنچه را که مدت‌ها در ذهن پروراند است در قالب حروف و به شکل کلمه روی کاغذ جاری کند. نویسنده با علم و دانش مکتوب، خود را با مخاطب و برای تولید علم و پرورش فکر در میان می‌گذارد. هنوز هم با ظهور اینترنت، وب ۲، شبکه اجتماعی و حالا هوش مصنوعی، هیچ چیز نتوانسته است در تولید و اشتراک‌گذاری علم با کتاب رقابت کند. جدای از تولید علم، با نوشتن است که می‌توانیم افکار خود را روی کاغذ و به فرمت کلمه درآورده و با آنها مواجه شویم. با نوشتن و خواندن آنها می‌توانیم به آنچه فکری کردیم دست پیدا کرده و با روخوانی، افکار را اصلاح و حتی بازتولید کنیم. می‌توان با آشنا کردن نوجوان با نوشتن و تمرین‌های مختلفی که به او می‌دهید، ماهیت و نحوه شکل‌گیری کتاب را به او نشان داده تا با مشاهده میزان اثرگذاری اش، کتاب خواندن را به یک ارزش در میان نوجوانان تبدیل کنیم؛ البته کار سخت و دشواری پیش روی والدین و نوجوانان است چرا که کتاب خواندن نیاز به تمرکز و حواس جمعی دارد که این روزها گوهر نایاب است.

فراتر از کتاب درسی را از دست می‌دهد. در حین تحصیل و پیدا کردن پاسخ مسأله‌های ذهنی به دکتر گوگل و معلم یوتیوب مراجعه می‌کنند. اینها اصلاً کار ناپسند و نادرستی نیست بلکه متناسب با امکانات و عصری که بچه‌ها در آن زندگی می‌کنند این کار یک روش عادی و روتین برای یافتن پاسخ پرسش‌های ذهنی‌شان است؛ هرگز نمی‌شود آنها را از این کار منع کرد و اطلاعات آنها را دم دستی یا نامعتبر دانست؛ بلکه باید در صحت و سقم اطلاعاتی که در اینترنت وجود دارد با دانش‌آموزان و نوجوانان صحبت کرد و آنها را نسبت به انواع مطالب درج شده در سایت‌ها و بلاگ‌ها آشنا کرد. یکی از وظایف معلم‌ها و والدین در این عصر این است که به آنها روش‌هایی را بیاموزند که با کمک گرفتن از آنها درباره درستی مطالبی که در ویدیوها می‌بینند یا در سایت و کپشن می‌خوانند اطمینان حاصل کنند. معلم‌ها می‌توانند درباره محمل‌های مختلف اطلاعاتی برای بچه‌ها صحبت کنند. اطلاعات به دو شکل کتابی و غیرکتابی وجود دارد و برای پیدا کردن یک زمینه مناسب فکری، لازم است از دو شکل منابع استفاده کرده و محدود به یک شکل و قاعده نشد. مثلاً این نباشد که فقط از یک نویسنده یا ناشر یا یک صفحه علمی در اینستاگرام یا یک معلم در یوتیوب یا یک پادکستر در اپ پادگیر اطلاعات خود را به دست آورد. تنوع و تکثر در کسب اطلاعات و دانش در دوران نوجوانی و تحصیل، دانش‌آموز را دچار تواضع فکری می‌کند. دانش‌آموز نوجوان به این ذهن آگاهی می‌رسد که به دانشش محدود است و به دنبال یافتن پاسخ برای سؤال‌هایش به منابع مختلفی رجوع

اگر نوجوان داشته باشید یا حتی مدتی کوتاه با چند نوجوان زیست کرده باشید، از بین حرف‌هایشان این جملات را خواهید شنید: «هنوز داری کتاب می‌خونی؟ عمر این کارها تموم شده!» یا «در دست گرفتن موبایل‌شان زیر چشمی بهت نگاه می‌کنند و می‌گویند: «در این عصر تکنولوژی و هوش مصنوعی که دیگه وقتت را نباید بذاری برای کتاب.» فقط کافی است که بگویند، می‌خواهید برای یک پژوهش یا ارائه دانشگاهی مطالعه کنید و فرصتی برای تفریح و گپ زدن ندارید، صدایشان بلند می‌شود که: «ای بابا هرچی بخوای رو می‌تونی از یوتیوب یاد بگیری. یوتیوب دانشگاهه. همه واحدهای درسی و آدم حسابی‌ها اونجا ارائه دارن.» نوجوان‌ها هم بخشی از فضای عمومی کشور هستند که نسبت به مطالعه کتاب مقاومت دارد، نوجوانی که فصل دانش‌آموزی است و در مقطعی از عمر انسان قرار گرفته که باید بالاترین میزان مطالعه را در مجموع عمر فرد داشته باشد. والدین تا قبل از سن مدرسه برای سرگرمی هم که شده، کتاب را برای کودک می‌خوانند، حتی قبل از خواب. در داخل پرانتز این نکته را هم بگویم، در صحبتی که با یک روانشناس، که در حوزه ادبیات کودک فعالیت می‌کرد، داشتم، گفت: قبل از خواب برای کودک کتاب نخوانید، بلکه قصه بگویید یا نمایش سایه اجرا کنید. دلیل را که پرسیدم از شرطی شدن کودک برای خواب همراه با کتاب گفت و خواندن کتاب را علت خواب‌آلودگی افراد در هنگام مطالعه در سنین مدرسه عنوان کرد. بگذریم؛ اما از وقتی که کودک وارد مدرسه می‌شود، فقط با کتاب درسی، بعد کمک درسی، تست و کنکور سروکار دارد. خواندن یک داستان یا لذت کشف و فهم مطالب علمی